

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال بیست و سوم، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۹۴

تعیین میزان موفقیت بنگاه‌های اقتصادی زودبازده بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل

غلامعباس ملاحاهی^۱، شاپور ظریفیان^۲، اسماعیل پیش‌بهار^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۰

چکیده

در سال‌های اخیر اهمیت و نقش بنگاه‌های زودبازده در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه رو به رشد بوده است. در ایران نیز اهمیت این صنایع به خصوص در برنامه‌های اخیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مدنظر بوده و با تأکید زیادی روبه رو شده است. هدف از انجام مطالعه حاضر بررسی میزان موفقیت بنگاه‌های اقتصادی زودبازده بخش کشاورزی و شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت آن‌ها در روستاهای شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان بود. برای سنجش میزان موفقیت بنگاه‌های زودبازده، شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی به طور جداگانه برای بنگاه‌ها در زیربخش‌های مختلف کشاورزی در نظر گرفته

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی و مدرس دانشگاه پیام نور زابل (نویسنده مسئول)

e-mail: molashahi.abbas@yahoo.com

۲ و ۳. به ترتیب دانشیار گروه ترویج و توسعه روستایی و استادیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تبریز

شد و به وضعیت هر یک از این شاخص‌ها قبل و بعد از دریافت وام پرداخته و حاصل اختلاف این وضعیت محاسبه گردید. در تحلیل عوامل مؤثر بر میزان موفقیت این بنگاه‌ها نیز از مدل رگرسیون چندگانه توأم بهره‌گیری شد. نتایج تحقیق نشان داد که بنگاه‌های زیربخش ماشین‌آلات، به علت بهبود در برخی شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی، از سایر بنگاه‌ها موفق‌تر بوده و بنگاه‌های دامی و زراعی به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفتند. از نظر عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه نیز مشخص شد که در زیربخش زراعت و باغبانی، سن مدیر، تحصیلات مدیر، تعداد اعضای خانوار مدیر، تجربه کار کشاورزی مدیر و مقدار وام دریافتی بنگاه با میزان موفقیت این بنگاه‌ها دارای ارتباط معنی‌داری بودند. همچنین در زیربخش ماشین‌آلات کشاورزی، تحصیلات مدیر، فاصله بنگاه تا شهر، میزان وام دریافتی، تعداد نیروی کار بنگاه، سطح زیرکشت و عوامل پرون‌سازمانی و در زیربخش دام نیز تعداد اعضای خانوار، تجربه کار کشاورزی مدیر، فاصله بنگاه تا شهر، تعداد نیروی کار بنگاه، سطح زیرکشت و عوامل درون‌سازمانی با میزان موفقیت این بنگاه‌ها ارتباط معنی‌داری داشتند.

طبقه‌بندی JEL: Q10، L25

کلیدواژه‌ها:

بنگاه زودبازده، شهرستان زابل، کشاورزی، موفقیت

مقدمه

از آنجا که در اکثر مناطق جهان، روستاها از جمله نواحی فقیر محسوب می‌شوند، اندیشمندان و سیاست‌گذاران تمامی کشورهای دنیا توجه خاصی را معطوف به امر توسعه روستایی و رفع مشکلات و معضلات این نواحی نموده‌اند. امروزه صاحب‌نظران بین‌المللی بر این اعتقادند که باید جدای از سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان توسعه و توسعه اقتصادی، که بسیار مهم نیز هستند، به‌طور ویژه و مشخص به امر توسعه روستاها و ریشه‌کنی فقر گسترده

تعیین میزان موفقیت.....

حاکم بر آنها پرداخت (ملاشاهی، ۱۳۹۱، ۲۷۱). از این رو از جمله اقداماتی که می‌توان برای کاهش فقر در جوامع روستایی انجام داد افزایش تولید، درآمد و اشتغال روستاییان از طریق ایجاد و گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMF)^۱ می‌باشد. در طی سال‌های اخیر، نقش و اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط (زودبازده) در کشورهای توسعه یافته صنعتی و همچنین کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است. بنگاه‌ها و صنایع کوچک و متوسط از اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین واحدهای فعال در جوامع امروزی‌اند که می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح و ارائه راهکارهای حمایتی و نظارتی بر آنها علاوه بر رفع بخش قابل توجهی از مشکل بیکاری و ایجاد اشتغال، به افزایش تولید و صادرات ملی نیز کمک کرد (مستوفی و عباسی، ۱۳۸۹، ۱۶۱).

در ایران نیز با توجه به اهمیت موضوع اقداماتی صورت گرفته است به طوری که هیئت‌وزیران در مورخ ۸۴/۸/۱۹ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی و موادی از برنامه چهارم توسعه، آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و کارآفرین را جهت دستیابی به اهداف معین (ایجاد اشتغال و افزایش تولید) مصوب و برای اجرا ابلاغ نموده است. دامنه شمول این طرح تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، خدمات فرهنگی و آموزشی می‌باشد (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۸۴).

صنایع کوچک، زودبازده و کارآفرین، به‌عنوان یکی از راهکارهای توسعه اقتصادی، طی سه دهه اخیر همواره مورد توجه کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه بوده است. نیاز به سرمایه اندک، بازدهی بالا و انعطاف‌پذیری صنایع کوچک و متوسط، توجیه اقتصادی این صنایع را بیش از پیش نمایان می‌کند (امین‌آقایی، ۱۳۸۸، ۱۲۸). امروزه مشخص شده است که برای سرعت بخشیدن به روند صنعتی شدن، اولویت باید به رشد صنایع کوچک و متوسط داده

1. Small and Medium Firms

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و سوم، شماره ۹۱

شود، نه صنایع بزرگ (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۸). این شرکت‌ها سهم بسزایی در توسعه صنایع پیشرفته دارند و نسبت به شرکت‌های بزرگ از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار بوده و در بسیاری از کشورهای جهان به‌عنوان مهم‌ترین برنامه اجرایی برای دستیابی به توزیع عادلانه درآمد و ثروت، ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی محسوب می‌شوند و با فراهم کردن بستر مناسب برای کارآفرینی و نوآوری علل جذب و هدایت سرمایه‌ها در مسیر توسعه اقتصادی کشور به حساب می‌آیند (امین بیدختی، ۱۳۸۸، ۱۷۲).

بررسی سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در میزان اشتغال، ایجاد ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی کشورها در جهان حاکی از آن است که بیش از ۹۵ درصد کل اشتغال ایجاد شده متعلق به این بنگاه‌هاست. به عنوان مثال در ۲۱ کشور عضو پیمان اپک^۱، در حدود ۴۰ میلیون کسب و کار کوچک و متوسط وجود دارد که بین ۳۰ تا ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها و بیش از ۸۰ درصد اشتغال را ایجاد می‌نمایند (حجی و پاسبانی، ۱۳۸۸، ۳۲). در کانادا، ۹۸ درصد بنگاه‌ها کوچک و متوسط هستند و در ژاپن ۶۰ درصد صادرات صنایع متعلق به این گونه بنگاه‌هاست. در ایران با آنکه ۹۹ درصد بنگاه‌ها کوچک و متوسط می‌باشند، تنها ۱۷ درصد ارزش افزوده صنعت متعلق به آن‌هاست (ناصری فر و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۰).

این بنگاه‌ها در ترکیه ۹۹/۸ درصد از کل بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. ۷۶/۷ درصد از کل اشتغال و ۳۸ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها را به خود جذب کرده ولی تنها ۵ درصد از اعتبارات بانکی را استفاده می‌کنند (Karpak & Topcu, 2010, 60). در کره جنوبی بعد از بحران مالی سال ۱۹۹۷، که همراه با افزایش بیکاری و بی‌ثباتی اقتصادی بود، به گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط توجه ویژه‌ای شد به طوری که در حال حاضر این بنگاه‌ها ۹۹ درصد کل شرکت‌های این کشور را تشکیل می‌دهند که ۷۰ درصد اشتغال و ۵۰ درصد از مجموع ارزش افزوده در اقتصاد کره را دارد (Moon & Sohn, 2005, 566).

1. Asia - Pacific Economic Cooperation (APEC)

تعیین میزان موفقیت.....

حال با توجه به ویژگی‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توان انتظار داشت که گسترش این بنگاه‌ها در بخش کشاورزی از جنبه‌های گوناگون باعث رشد و ترقی این بخش گردد. این امری است که در طی سال‌های گذشته در کشور اجرا شده و به گسترش این گونه بنگاه‌ها توجه ویژه‌ای گردیده است به طوری که طبق آخرین آمار موجود از زمان اجرایی شدن طرح گسترش بنگاه‌های زودبازده، یعنی اواخر سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۸۹، تعداد طرح‌های بهره‌برداری رسیده در بخش کشاورزی، که مورد حمایت مالی دولت قرار گرفته‌اند، ۱۹۲۳۱۷ طرح به اعتبار ۶۰۶۹۷۱۲۹ میلیون ریال می‌باشد که از این میان سهم استان سیستان و بلوچستان ۳۹۴۷ طرح به اعتبار ۱۴۹۹۹۹۳ میلیون ریال و سهم شهرستان زابل ۱۵۱۸ طرح به ارزش ۱۵۸۸۰۵ میلیون ریال بوده است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۰). با توجه به سابقه تأسیس این بنگاه‌ها در شهرستان زابل تاکنون از عملکرد و میزان موفقیت آن‌ها در رسیدن به اهدافشان ارزیابی صورت نگرفته است تا بر اساس آن‌ها پیشنهادهای کاربردی جهت تقویت و رفع موانع بنگاه‌ها ارائه گردد. تحقیقات مختلفی در ایران و جهان انجام گرفته که از جنبه‌های مختلف بنگاه‌های کوچک و متوسط را مورد بررسی قرار داده‌اند که در این قسمت به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

فیض‌پور و پوش‌دوزباشی (۱۳۸۷) در تحقیق خود، که با هدف تعیین سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در اشتغال انجام دادند، با جمع‌آوری اطلاعات مرکز آمار ایران در خصوص تعداد و اشتغال ایجاد شده توسط این بنگاه‌ها در طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ به این نتیجه رسیدند که با افزایش اندازه بنگاه، سهم آن‌ها در ایجاد اشتغال کاهش یافته و همچنین بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع نقش اساسی را در ایجاد اشتغال در صنایع تولیدی ایران ایفا نموده‌اند.

امین‌آقایی (۱۳۸۸) به بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی پرداخت. وی این عوامل را به سه دسته عوامل ساختاری، زمینه‌ای و محتوایی دسته‌بندی نمود. از نظر کارشناسان، کمبود سرمایه، نوسان قیمت مواد اولیه، ضعف

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و سوم، شماره ۹۱

مدیریت، پایین بودن میزان تحصیلات، فقدان انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی فعال و کارآمد در زمینه صنایع روستایی و ناتوانی صنایع کوچک روستایی در بازاریابی ملی، مهم‌ترین عوامل مؤثر در عدم موفقیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک ایران به شمار رفتند.

یداللهی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی که به منظور شناسایی عوامل داخلی مؤثر بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط انجام دادند به این نتیجه رسیدند که عوامل مدیریتی، منابع انسانی، ساختار سازمانی، اندازه سازمانی، سیستم‌های سازمانی، بازاریابی و فروش، فناوری و اطلاعات، تحقیق و توسعه، استراتژی‌های شرکت، تولید و عملیات و منابع مالی سازمان بر بهبود عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر معنی‌داری دارند.

خوشنودی‌فر و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر عملکرد بانک کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی در میزان موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین در بخش کشاورزی پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که در میزان موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط عوامل توانایی رقابت با سایر کسب و کارها، کیفیت محصولات و توانایی مقابله با رویدادهای غیر منتظره، سه اولویت اثرگذار و سخت‌گیری زیاد بانک‌ها در پرداخت تسهیلات، عدم پرداخت به موقع اعتبارات و مشکلات دیوان‌سالاری اداری به ترتیب اهمیت به عنوان مشکلات راه‌اندازی این کسب و کارها مطرح شدند. همچنین بین عملکرد سازمان جهاد کشاورزی با میزان موفقیت در کسب و کار کوچک و متوسط رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده شد، اما بین عملکرد بانک کشاورزی و موفقیت کسب و کارها رابطه معنی‌داری به دست نیامد.

مستوفی و عباسی (۱۳۸۹) به بررسی میزان دستیابی به اهداف اشتغال‌زایی، تولید و سودآوری در طرح بنگاه‌های زودبازده استان قم پرداختند و مشخص نمودند که به طور کلی وام‌گیرندگان نتوانسته‌اند در خصوص اهداف اشتغال‌زایی و سودآوری آن‌ها در طرح‌ها هدف‌سازی کرده بودند به این اهداف در واقعیت دست یابند. تنها در خصوص اهداف تولیدی وام‌گیرندگان نتوانسته‌اند عملکرد قابل قبولی داشته باشند.

تعیین میزان موفقیت.....

شعبان‌زاده (۱۳۹۰) در تحقیقی به ارزیابی عملکرد بنگاه‌های زودبازده به بهره‌برداری رسیده در زیر بخش‌های زنبورداری و دامپروری شهرستان بابل پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که در میان بنگاه‌های صنعت زنبورداری، اعتبارات تأثیر مثبت بر اشتغال و سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت این گروه از بنگاه‌ها داشته است، اما در صنعت دامپروری مشخص شد که اشتغال در بلندمدت پایدار نبوده و سرمایه‌گذاری در این گروه از بنگاه‌ها طی دوره کوتاه مدت و بلندمدت همواره روند کاهشی داشته است.

گومد (Gomede, 2000) در تحقیقی با عنوان «رشد و صادرات شرکت‌های کوچک و متوسط در آفریقای جنوبی» متغیرهای مهم برای موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط را تأمین مالی، ارائه اطلاعات و آموزش و تواناسازی محیط زیست می‌داند و توصیه می‌کند که دولت اقداماتی مانند کاهش نرخ بهره، کاهش تورم، بهبود دسترسی به اطلاعات و بازار، سرعت بخشیدن به آموزش کارآفرینان بنگاه‌های کوچک و متوسط و نظارت بر واحدهای خرید و فروش را در دستور کار خود جهت حمایت از این بنگاه‌ها قرار دهد.

مان و همکاران (Man et al., 2002) در تحقیقی تحت عنوان «رقابت بنگاه‌های کوچک و متوسط با تمرکز بر بنگاه‌های شایسته»، سه جنبه کلیدی مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط را شامل عوامل داخلی، عوامل محیطی خارجی و نفوذ کارآفرین می‌دانند. در این تحقیق همچنین ویژگی‌های شخصیتی، روانی و رفتاری کارآفرین و مهارت‌های مدیریتی و دانش فنی او به عنوان تأثیرگذارترین عوامل مربوط به عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط معرفی شده است.

روگف و همکاران (Rogoff et al., 2004) یازده عامل را در موفقیت بنگاه‌های کوچک شناسایی کردند که عبارت‌اند از: ویژگی‌های فردی، مسائل مدیریتی، مسائل مالی، فعالیت‌های بازاریابی، مسائل مربوط به منابع انسانی، شرایط اقتصادی، ویژگی‌های تولید، رقابت، قوانین و آیین‌نامه‌ها، تکنولوژی و عوامل محیطی.

رادام و همکاران (Radam et al., 2004) در تحقیق خود به بررسی کارایی فنی ۷۳۶۰ شرکت کوچک و متوسط در سال ۲۰۰۴ در مالزی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که فقط ۳/۰۶ درصد از این شرکت‌ها از کارایی فنی برخوردارند در حالی که مجموع ناکارایی فنی آنها بین ۳-۹۷ درصد متغیر است و بر ارتقای سطح مهارت‌های فنی مدیران این بنگاه‌ها از طریق آموزش و تأمین مالی مدیران، که به سطوح بالاتر بهره‌وری در میان شرکت‌های کوچک و متوسط منجر می‌شود، تأکید نمودند.

باه و همکاران (Bah et al., 2011) اثر بخشی کمک‌های مالی و تکنیکی آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID)^۱ را بر رشد اشتغال بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور مقدونیه بررسی نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که بنگاه‌های دریافت‌کننده این کمک‌ها نسبت به سایر بنگاه‌های فعال در این کشور با رشد اشتغال بیشتری مواجه بوده‌اند به طوری که اشتغال در این گروه از بنگاه‌ها در اولین سال پس از دریافت این کمک‌ها ۱۶-۲۰ درصد و در سومین سال پس از دریافت این کمک‌ها ۲۶-۳۰ درصد رشد داشته است.

با جمع‌بندی مطالعات صورت گرفته در خصوص بنگاه‌های اقتصادی زودبازده می‌توان چنین نتیجه گرفت که اغلب این مطالعات به نقش و اهمیتی که این گونه بنگاه‌ها در اقتصاد کشورهای مختلف دارند اشاره نموده‌اند و کمتر به عوامل تأثیرگذار بر نقش و موفقیت این بنگاه‌ها پرداخته‌اند، در حالی که شناسایی عوامل گوناگون مؤثر بسیار حائز اهمیت است. از این رو، مطالعه حاضر ضمن ارزیابی موفقیت این بنگاه‌ها در بخش‌های مختلف کشاورزی، به شناسایی عوامل گوناگون تأثیرگذار در موفقیت آنها پرداخته است. از آنجا که رسالت اصلی طرح گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده در ایران، ایجاد اشتغال و افزایش تولید به‌ویژه در مناطق محروم کشور می‌باشد، این تحقیق نیز مبنای سنجش موفقیت بنگاه‌های زودبازده بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل را بر اساس دو شاخص تولیدی و اشتغال‌زایی قرار داده

1. United States Agency for International Development

تعیین میزان موفقیت.....

است و برای ارائه الگویی جهت شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت این بنگاه‌ها عواملی مانند ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مدیر، عوامل مدیریتی، عوامل انسانی، عوامل مالی، عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مرتبط با بنگاه‌ها را مورد ارزیابی قرار داد.

مواد و روش‌ها

از آنجا که بنگاه‌های مورد مطالعه با دریافت تسهیلات، اقدام به تأسیس، تجهیز و یا توسعه کرده بودند و، همان‌گونه که بیان شد، رسالت اصلی طرح گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده نیز ایجاد اشتغال و افزایش تولید به‌ویژه در مناطق محروم کشور بود، لذا برای سنجش میزان موفقیت بنگاه‌های زودبازده، شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی به‌طور جداگانه برای بنگاه‌ها در نظر گرفته شد و به وضعیت فعلی هر یک از این شاخص‌ها بعد از دریافت وام در تغییر هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه پرداخته و حاصل اختلاف این وضعیت محاسبه گردید، بدین شکل که بعد از پاسخگویی مدیران در خصوص مقدار هر یک از شاخص‌های مورد نظر در قبل و بعد از دریافت وام، وضعیت این شاخص‌ها در سه طبقه کاهش، ثابت و افزایش سنجیده و با یکدیگر مقایسه شد؛ به عبارتی هر چه تغییر در وضعیت شاخص‌های بنگاهی رشد افزایشی داشت، نشان از موفقیت آن و بر عکس هر چه تغییر در وضعیت شاخص‌های بنگاهی رشد کاهشی داشت نشان از عدم موفقیت آن بنگاه در رسیدن به اهداف مورد نظر بود. در جدول ۱ شاخص‌های به کار رفته برای هر یک از زیربخش‌های مورد مطالعه آمده است.

جدول ۱. شاخص‌های سنجش میزان موفقیت بنگاه‌ها

نوع شاخص		نام زیربخش
اشتغال زایی / واحد	تولیدی / واحد	
تعداد نیروی کار (نفر)	مقدار زمین زراعی (هکتار)	زراعت و باغبانی
تعداد افراد بهره‌مند از بنگاه (نفر)	مقدار سطح زیر کشت (هکتار)	
	مقدار تولید غلات (تن)	
	مقدار تولید محصولات جالیزی (تن)	ماشین‌آلات کشاورزی
تعداد نیروی کار (نفر)	مقدار زمین زراعی (هکتار)	
تعداد افراد بهره‌مند از بنگاه (نفر)	مقدار سطح زیر کشت (هکتار)	
	مقدار تولید غلات (تن)	دام
	مقدار تولید محصولات جالیزی (تن)	
تعداد نیروی کار (نفر)	تعداد دام سبک (واحد دامی)	
تعداد افراد بهره‌مند (نفر)	تعداد دام سنگین (واحد دامی)	مقدار مرغ بومی (قطعه)
	تعداد مرغ بومی (قطعه)	
	مقدار تولید شیر (تن)	
	مقدار تولید گوشت (تن)	

به دلیل اینکه شاخص‌های تعریف شده برای تعیین میزان موفقیت بنگاه‌ها دارای واحدهای متفاوتی بودند، از تکنیک استانداردسازی برای حذف مقیاس اندازه‌گیری متغیرها و ایجاد شاخص ترکیبی میزان موفقیت استفاده گردید که فرمول به کار گرفته شده به شکل زیر است (کلانتری، ۱۳۸۰، ۱۲۶):

$$Z = \frac{X - \bar{X}}{SD} \quad (1)$$

در این رابطه، Z مقدار استاندارد هر یک از شاخص‌ها، X مقدار اختلاف قبل و بعد به دست آمده از هر شاخص، \bar{X} میانگین هر شاخص و SD مقدار انحراف معیار هر شاخص است که در نهایت از حاصل جمع استاندارد شده هر یک از شاخص‌ها، میزان موفقیت بنگاه به عنوان متغیر وابسته تحقیق به دست آمد.

تعیین میزان موفقیت.....

برای تحلیل عوامل مؤثر بر میزان موفقیت بنگاه‌ها در هر یک از زیربخش‌های زراعت و باغبانی، مکانیزاسیون کشاورزی و دام، با توجه به نوع مقیاس متغیرها، از آزمون رگرسیون چندگانه توأم یا هم‌زمان بر اساس رابطه ۲ به‌طور جداگانه برای هر یک از این زیربخش‌ها با استفاده از نرم‌افزار Stata 11 بهره‌گیری شد:

$$Y = a + b_1 \text{Age} + b_2 \text{MStudy} + b_3 \text{LStudy} + b_4 \text{Family} + b_5 \text{Experience} + b_6 \text{Distance} + b_7 \text{Loan} + b_8 \text{Cultivation} + b_9 \text{Ownreship} + b_{10} \text{Labor} + b_{11} \text{Internal} + b_{12} \text{External} \quad (2)$$

در این رابطه، Y مقدار پیش‌بینی شده متغیر وابسته (میزان موفقیت بنگاه)، a مقدار ثابت b ضریب رگرسیون یا شیب منحنی و x متغیرهای مستقل زیر است: Age سن مدیر (سال)، MStudy میزان تحصیلات مدیر (مقطع)، LStudy تحصیلات نیروی کار (مقطع)، Family تعداد اعضای خانوار مدیر (نفر)، Experience تجربه کشاورزی مدیر (سال)، Distance فاصله بنگاه تا شهر (کیلومتر)، Loan میزان وام دریافتی بنگاه (ریال)، Cultivation سطح زیرکشت (هکتار)، Ownreship وضعیت مالکیت اراضی، Labor تعداد نیروی کار بنگاه (نفر)، Internal عوامل درون‌سازمانی و External عوامل برون‌سازمانی.

برای به‌دست آوردن هر یک از موارد فوق به‌طور جداگانه یک سؤال در پرسش‌نامه ذکر گردید که پاسخ‌های کمی داشته و برای محاسبه عوامل درون‌سازمانی (نیروی انسانی، مدیریت و عوامل تولیدی) و برون‌سازمانی (روابط برون‌سازمانی با سازمان‌های دولتی و غیردولتی و عوامل مربوط به بازاریابی) نیز بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت سؤالاتی مطرح و از حاصل جمع نتایج پاسخگویی به این سؤالات مقدار عددی عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مربوط به هر یک از بنگاه‌ها محاسبه گردید. لازم به یادآوری است که در نهایت همه متغیرهای مستقل موجود در مدل نظری به‌جز وضعیت مالکیت اراضی (به دلیل داشتن هم‌خطی) وارد معادله رگرسیونی شدند.

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی توصیفی - همبستگی است که به روش پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه مدیران بنگاه‌های

زودبازده بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل است که طی سال‌های ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۸۹ از محل تسهیلات گسترش بنگاه‌های زودبازده وام دریافت و اقدام به تأسیس بنگاه کرده بودند و در زمان انجام پژوهش نیز بنگاه آنان فعال بود (N= ۱۴۲۶). برای انتخاب تعداد نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد که بر اساس این جدول، ۳۰۲ بنگاه به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب، سهم هر یک از زیربخش‌های زراعت و باغبانی، ماشین‌آلات و دام تعیین شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر چهار بخش بود که در بخش‌های اول و دوم توسط ۱۶ سؤال به شناسایی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مدیر و مشخصات عمومی بنگاه پرداخته شد. در بخش سوم، ۱۵ سؤال جهت تعیین میزان موفقیت بنگاه‌ها با استفاده از تعیین شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی تنظیم شد و در بخش چهارم پرسش‌نامه ۲۲ سؤال بسته در قالب طیف لیکرت جهت شناسایی عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مؤثر بر موفقیت بنگاه‌ها تدوین شد.

نتایج و بحث

اطلاعات جمع‌آوری شده از تکمیل پرسش‌نامه‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس، توصیف داده‌ها به طور جداگانه برای هر یک از بخش‌های زراعت، ماشین‌آلات کشاورزی و دام در دو بخش کمی و کیفی در جداول ۲ و ۳ ارائه شده که نتایج مندرج در این جداول حاکی از آن است که سن اغلب مدیران بنگاه‌ها بالاست به طوری که میانگین سنی آن‌ها در کلیه زیربخش‌های مورد مطالعه بالای ۴۰ سال بود و حتی در برخی از زیربخش‌ها، مدیرانی با سن بالای ۶۰ سال نیز وجود داشتند. از نظر تعداد اعضای خانوار مدیران این بنگاه‌ها نیز مشخص شد که بعد خانوار این مدیران تقریباً پرجمعیت است به طوری که متوسط افراد خانوار مدیران در زیربخش‌های سه‌گانه مورد مطالعه (به جز زیربخش زراعت و باغبانی) بالای ۵ نفر بود. از نظر تجربه مدیر و مقدار زمین در اختیار مدیران

تعیین میزان موفقیت.....

مشخص شد که زیربخش ماشین آلات در این موارد دارای بیشترین مقدار است به طوری که میانگین تجربه مدیران زیربخش ماشین آلات کشاورزی برابر با ۳۰ سال و میانگین زمین زراعی آن‌ها نیز برابر با ۱۱ هکتار به دست آمد. بررسی مقدار وام دریافتی جهت احداث بنگاه‌ها در زیربخش‌های مختلف نیز حاکی است که میانگین دریافت وام در زیربخش زراعت و باغبانی بیشتر از سایر زیربخش‌های مورد مطالعه بود. در بررسی سایر ویژگی‌های کمی مورد مطالعه، همان گونه که در جدول ۲ آمده است، تفاوت زیادی بین زیربخش‌ها ملاحظه نگردید.

جدول ۲. ویژگی‌های کمی مدیران و بنگاه‌های زودبازده

متغیر	زیربخش زراعت و باغبانی			زیربخش ماشین آلات			زیربخش دام				
	حداقل	میانگین	حداکثر	انحراف	حداقل	میانگین	حداکثر	انحراف	حداقل	میانگین	حداکثر
	معیار			معیار			معیار				
سن	۲۸	۴۳/۲	۶۰	۹/۸	۳۲	۴۲	۶۷	۷/۲	۲۲	۴۵/۶	۶۷
اعضای خانوار	۲	۴/۷	۹	۱/۷	۲	۵/۶	۱۴	۲/۴	۱	۵/۶	۱۲
تجربه کشاورزی	۲	۱۶/۲	۴۸	۱۳	۱۰	۳۰	۵۰	۹/۸	۲	۲۵/۸	۴۵
زمین زراعی	۱	۴/۹	۲۰	۴/۷	۲	۱۱	۶۰	۱۴/۳	۰	۶/۵	۵۰
فاصله تا شهر	۵	۱۶/۹	۳۲	۷/۸	۳	۱۵/۸	۳۰	۶	۲	۱۸	۳۷
وام دریافتی	۷۰	۲۴۰	۱۳۷۰	۳۵/۶	۳۰	۱۴۵	۶۱۰	۱۴/۱	۵۰	۱۶۳	۳۴۰۰
تعداد نیروی کار	۲	۲/۵	۵	۰/۷۲	۱	۲/۷	۵	۱	۱	۲/۲۵	۶
تعداد افراد بهره‌مند	۲	۶	۱۳	۲/۴	۲	۵/۹	۱۴	۲/۸	۲	۶	۱۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در تقسیم‌بندی جداگانه‌ای که از تحلیل ویژگی‌های کیفی مدیران و بنگاه‌ها انجام گرفت، نتایج حاکی از آن بود که زنان نقش بسیار کم‌رنگی در مدیریت این بنگاه‌ها داشته و فقط در زیربخش دام حدود ۱۰ درصد مدیران را زنان تشکیل می‌دادند و در سایر زیربخش‌ها نقش زنان تقریباً برابر با صفر بود. بررسی سطح تحصیلات مدیران و نیروی کار فعال در بنگاه‌ها نیز نشان دهنده ضعف شدید تحصیلات دانشگاهی در بین مدیران بنگاه‌های زودبازده بود که این وضع در بین نیروی کار فعال در بنگاه‌ها به مراتب بدتر از مدیران بنگاه‌ها بود.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و سوم، شماره ۹۱

جدول ۳. ویژگی‌های کیفی مدیران و بنگاه‌های زودبازده

متغیر طبقات	زیربخش زراعت و باغبانی			زیربخش ماشین‌آلات			زیربخش دام		
	فراوانی درصد	درصد	تجمعی	فراوانی درصد	درصد	تجمعی	فراوانی درصد	درصد	تجمعی
نسبت	مرد	۲۴	۱۰۰	۰	۵۳	۹۶	۱۹۹	۸۹/۵	۸۹/۵
	زن	۰	۰	۱۰۰	۲	۴	۲۴	۱۰/۵	۱۰۰
سطح تحصیلات مدیران	بی‌سواد	۶	۲۵	۲۵	۲۶	۴۷	۹۶	۴۳	۴۳
	زیردیپلم	۴	۱۷	۴۲	۲۰	۳۷	۸۴	۳۷	۸۰
	دیپلم	۷	۲۹	۷۱	۶	۱۱	۹۵	۱۷/۵	۹۷/۵
	فوق دیپلم	۷	۲۹	۱۰۰	۳	۵	۱۰۰	۱/۵	۹۹
	لیسانس و بالاتر	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۱۰۰	۱	۱۰۰
	بی‌سواد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰	۱۰
سطح تحصیلات نیروی کار	خواندن و نوشتن	۳	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۲	۲۲	۴۳	۱۹/۵	۲۹/۵
	ابتدایی	۵	۲۱	۳۳/۵	۲۴	۴۳/۵	۶۵/۵	۳۴/۵	۶۴
	راهنمایی	۳	۱۲/۵	۴۶	۹	۱۶/۵	۸۲	۱۸/۵	۸۲/۵
	دیپلم	۱۳	۵۴	۱۰۰	۷	۱۲/۵	۹۴/۵	۱۶	۹۸/۵
	فوق دیپلم	۰	۰	۱۰۰	۳	۵/۵	۱۰۰	۱/۵	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با بررسی وضعیت کنونی بنگاه‌های مورد مطالعه و جمع‌بندی تغییر در شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی ارائه شده در جدول ۱، جهت طبقه‌بندی کلی بنگاه‌ها از نظر میزان بهبود در وضعیت شاخص‌های ذکر شده در بعد از دریافت وام، ملاحظه شد که برخی بنگاه‌ها در زیر بخش‌های مختلف در بهبود وضعیت اشتغال و تولید ناموفق بوده‌اند یعنی نه تنها توفیقی در این زمینه نداشته‌اند بلکه وضعیت بنگاه نسبت به قبل از دریافت وام (بنگاه‌های توسعه‌ای) و یا نسبت به مقدار مورد انتظار در هنگام تأسیس (بنگاه‌های تازه تأسیس) بدتر نیز شده است. برخی از این بنگاه‌ها نیز روند ثابتی دنبال کرده‌اند یعنی وضعیت آن‌ها از نظر افزایش تولید و اشتغال

تعیین میزان موفقیت.....

در بعد از دریافت وام با قبل از دریافت وام تفاوتی نکرده است. اما اغلب بنگاه‌ها موفقیت چشمگیری داشته‌اند به طوری که با تقسیم بندی کلی این بنگاه‌ها از نظر میزان موفقیت (افزایش در شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی) مشخص شد که بنگاه‌های زیربخش ماشین‌آلات با ۶۳ درصد پیشرفت از دو زیربخش دیگر موفق‌تر عمل کرده‌اند. همان‌گونه که در جدول ۴ آمده است، زیربخش‌های دام و زراعت و باغبانی به ترتیب با ۵۸ و ۵۸/۵ درصد پیشرفت در رده‌های بعدی قرار گرفتند.

جدول ۴. طبقه‌بندی کلی بنگاه‌ها از نظر میزان موفقیت بر اساس درصد پیشرفت شاخص‌های

تولیدی و اشتغال‌زایی

وضعیت / نوع فعالیت	زراعت و باغبانی	ماشین‌آلات کشاورزی	دام
ناموفق	۰	۳/۵ درصد	۸/۵ درصد
ثابت	۴۲ درصد	۳۳/۵ درصد	۳۳ درصد
موفق	۵۸ درصد	۶۳ درصد	۵۸/۵ درصد
جمع کل	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد	۱۰۰ درصد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جهت شناخت، پیش‌بینی و بررسی عوامل مؤثر بر میزان موفقیت بنگاه‌ها از تکنیک رگرسیون چندگانه توأم یا هم‌زمان استفاده شد. برای این منظور تخمین رگرسیونی برای هر یک از زیربخش‌های زراعت و باغبانی، ماشین‌آلات کشاورزی و دام به صورت جداگانه انجام گرفت.

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی زیربخش زراعت و باغبانی

متغیر	ضریب	آماره t	ضریب استاندارد	سطح معنی داری
سن مدیر	Age	۰/۰۵*	۲/۲۵	۰/۲۰
تحصیلات مدیر	MStudy	۰/۳۵*	۲/۴۳	۰/۱۶
تعداد اعضای خانوار مدیر	Family	۰/۳۶*	۲/۲۹	۰/۲۶
تجربه کشاورزی مدیر	Experience	۰/۰۶*	۲/۲۲	۰/۳۴
فاصله بنگاه تا شهر	Distance	۰/۰۳	-۱/۴۴	-۰/۰۹
میزان وام دریافتی	Loan	۰/۰۲*	۲/۷۷	۰/۳۲
تحصیلات نیروی کار	LStudy	۰/۱۲	۰/۳۰	۰/۰۵
تعداد نیروی کار	Labor	۰/۳۵	۱/۳۱	۰/۱۱
سطح زیر کشت	Cultivation	-۰/۰۶	-۱/۱۲	-۰/۰۷
عوامل درون سازمانی	Internal	-۰/۰۱	-۰/۲۶	-۰/۰۲
عوامل بیرون سازمانی	External	-۰/۰۴	-۰/۷۲	-۰/۰۵
مقدار ثابت	constant	-۳/۱۹	-۰/۶۲	-
		F=۴۳/۹	R ² =۰/۹۲	D.W=۲/۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد، نتایج تخمین رگرسیون نشان داد که در زیر بخش زراعت و باغبانی ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰/۹۲ و بدین معناست که ۹۲ درصد تغییر واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل وارد معادله شده تبیین می‌گردد. بر اساس نتایج، بین سن مدیران بنگاه‌های زراعی و باغی رابطه معنی دار و مثبتی ملاحظه گردید. این رابطه مثبت را می‌توان چنین تفسیر کرد که هر چه سن مدیر بنگاه بیشتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که بنگاه‌ها موفق شوند. این امر نشان می‌دهد که مدیران مسن تر به دلیل تجربه بیشتر

تعیین میزان موفقیت.....

می‌توانند موفق‌تر عمل کنند، همان‌گونه که رابطه مثبت تجربه کار کشاورزی مدیر نیز بیانگر این مطلب می‌باشد.

داشتن تحصیلات بالاتر مدیران نیز احتمال موفقیت بنگاه‌ها را بسیار بالا می‌برد چرا که مدیران با تحصیلات بالاتر بهتر می‌توانند از منابع و اطلاعات روز آگاهی یافته و از این یافته‌ها در مدیریت بنگاه خود استفاده کنند.

بین میزان وام دریافتی توسط بنگاه با موفقیت آن نیز رابطه مثبت و معنی‌داری دیده شد بدین معنی که هرچه منابع مالی بیشتری در اختیار بنگاه قرار گیرد احتمال موفقیت آن نیز بالاتر است چرا که با داشتن این منابع، توانایی مدیر نیز در اداره کردن و مقابله با مشکلات پیش روی بنگاه بیشتر می‌گردد.

همچنین رابطه معنی‌دار و مثبت بین تعداد اعضای خانوار مدیر و موفقیت بنگاه‌ها نشان از این دارد که با افزایش اعضای خانوار و استفاده از آن‌ها به عنوان نیروی کار مجانی بر میزان موفقیت این بنگاه‌ها افزوده می‌شود و موفقیت این بنگاه‌ها را در افزایش تولید و کاهش بیکاری بیشتر می‌کند، مخصوصاً وقتی که نیروی کار، خانوادگی بوده و بر روی بنگاه تولیدی خود مشغول به کار باشند این احتمال افزایش بیشتری می‌یابد.

جهت مقایسه میزان تأثیر هر یک از متغیرهای توضیحی بر روی موفقیت از ضریب رگرسیون استاندارد (Beta) استفاده شد که در این زیربخش مشاهده گردید که متغیر تجربه کشاورزی مدیر به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در پیشگویی میزان موفقیت بنگاه‌ها داشت. به همین ترتیب، متغیرهای میزان وام دریافتی با ضریب استاندارد ۰/۳۲ و تعداد اعضای خانوار مدیر با ضریب استاندارد ۰/۲۶ در رده‌های بعدی تأثیرگذاری بر روی متغیر وابسته قرار گرفتند.

بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های زیربخش ماشین‌آلات کشاورزی مطابق جدول ۶ نشان داد که مانند زیربخش زراعت، متغیرهای تحصیلات مدیر و میزان وام دریافتی

برای بنگاه با موفقیت آن رابطه مثبت و معنی‌داری دارند اما علاوه بر این دو متغیر، بین متغیر فاصله بنگاه تا شهر رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده شد که علت این رابطه منفی را می‌توان دسترسی دشوار به منابع سوخت و تعمیرات این بنگاه‌ها عنوان کرد که هر چه این فاصله و عدم دسترسی این بنگاه‌ها به منابع ذکر شده بیشتر باشد احتمال موفقیت بنگاه کمتر می‌شود.

در این بنگاه‌ها، بین تعداد نیروی کار بنگاه و موفقیت آن رابطه منفی و معنی‌داری ملاحظه شد که این رابطه منفی بیانگر این مطلب است که هر چه میزان نیروی کار انسانی بیشتر شود احتمال شکست یا عدم موفقیت بنگاه نیز بیشتر می‌شود که علت را می‌توان در تداخل نیروی انسانی و ماشین دانست یعنی در موفقیت یک ماشین، به‌ویژه ماشین‌آلات کشاورزی، استفاده بیشتر از نیروی انسانی نیاز نیست و حتی این ازدیاد نیرو باعث افزایش هزینه‌ها نیز می‌گردد.

در خصوص مقدار سطح زیرکشت و رابطه مثبت آن با موفقیت بنگاه‌های زیربخش ماشین‌آلات کشاورزی نیز می‌توان گفت که هر چه میزان سطح زیرکشت تحت پوشش این بنگاه‌ها بیشتر باشد، استفاده بیشتر و بهینه از ماشین‌آلات و در واقع افزایش تولید، یعنی همان بهبود در شاخص‌های تولیدی، اتفاق می‌افتد. همچنین هر چه اتکای این بنگاه‌ها به نهادها و سازمان‌های بیرونی بیشتر باشد میزان موفقیت آن‌ها کمتر و هر چه بیشتر به تخصص و منابع خودشان متکی باشند احتمال موفقیت آن‌ها بیشتر خواهد بود.

تعیین میزان موفقیت.....

جدول ۶. ضرایب رگرسیونی زیربخش ماشین آلات کشاورزی

متغیر	ضریب	آماره t	ضریب استاندارد	سطح معنی داری
سن مدیر	Age	۰/۰۸	۱/۶۱	۰/۱۱
تحصیلات مدیر	MStudy	۱/۰۶*	۲/۰۹	۰/۰۴
تعداد اعضای خانوار مدیر	Family	۰/۲۰	۱/۲۲	۰/۲۲
تجربه کشاورزی مدیر	Experience	-۰/۴۱	-۰/۵۲	۰/۶۰
فاصله بنگاه تا شهر	Distance	-۰/۱۰*	-۲/۲۵	۰/۰۳
میزان وام دریافتی	Loan	۰/۰۶*	۲/۴۵	۰/۰۱
تحصیلات نیروی کار	LStudy	-۰/۳۴	-۰/۹۲	۰/۳۶
تعداد نیروی کار	Labor	-۱/۵۷**	۵/۶۵	۰/۰۰
سطح زیرکشت	Cultivation	۰/۱۰*	۲/۲۶	۰/۰۲
عوامل درون سازمانی	Internal	۰/۱۱	۰/۹۸	۰/۳۳
عوامل برون سازمانی	External	-۰/۴۵**	-۵/۸۲	۰/۰۰
مقدار ثابت	constant	۹/۸۷	۱/۱۶	۰/۲۵
$R^2 = ۰/۸۷$ $F = ۲۶/۳$ $D.W = ۱/۶$				

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ضرایب رگرسیون استاندارد (Beta) برای زیربخش ماشین آلات کشاورزی (جدول ۶) نشان می‌دهد که متغیر تعداد نیروی کار بنگاه با ضریب ۰/۳۵ سهم بیشتری در پیش‌بینی میزان موفقیت در مقایسه با سایر متغیرها داشته و عوامل برون‌سازمانی و تحصیلات مدیر بنگاه در رده‌های بعدی قرار دارند.

نتایج تخمین رگرسیون برای زیربخش دام نشان داد که در این زیربخش، مانند زیربخش زراعت، متغیرهای تعداد اعضای خانوار و تجربه کار کشاورزی با موفقیت بنگاه رابطه مثبت و معنی‌داری دارند و همانند زیربخش ماشین آلات کشاورزی نیز فاصله بنگاه تا شهر، تعداد نیروی کار و مقدار سطح زیرکشت با موفقیت بنگاه‌ها رابطه معنی‌داری دارند. همچنین در این زیربخش بین عوامل یا روابط درون‌سازمانی با موفقیت بنگاه‌های زیربخش دام رابطه مثبت و معنی‌داری ملاحظه گردید. بنابراین هرچه روابط درون‌سازمانی در این بنگاه‌ها قوی‌تر و

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و سوم، شماره ۹۱

محکم تر باشد احتمال موفقیت آن نیز بیشتر می‌باشد که علت را می‌توان در نیاز به انسجام درونی و گروهی این بنگاه‌ها به دلیل حساسیت و مراقبت بیشتر در آن‌ها دانست.

جدول ۷. ضرایب رگرسیونی زیربخش دام

متغیر	ضریب	آماره t	ضریب استاندارد	سطح معنی‌داری
سن مدیر	Age	۰/۰۱	۰/۵۰	۰/۶۱
تحصیلات مدیر	MStudy	۰/۳۸	۱/۱۸	۰/۲۳
تعداد اعضای خانوار مدیر	Family	۰/۲۹**	۳/۱۲	۰/۰۰
تجربه کشاورزی مدیر	Experience	۱/۰۷**	۳/۲۳	۰/۰۰
فاصله بنگاه تا شهر	Distance	۰/۰۳*	۲/۰۰	۰/۰۴
میزان وام دریافتی	Loan	۰/۰۰۹	۱/۹۲	۰/۰۵۶
تحصیلات نیروی کار	LStudy	۰/۰۷	۰/۳۷	۰/۷۱
تعداد نیروی کار	Labor	۳/۸۷**	۱۸/۰	۰/۰۰
سطح زیرکشت	Cultivation	۰/۰۷*	۲/۳۶	۰/۰۱
عوامل درون‌سازمانی	Internal	۰/۰۹*	۲/۲۵	۰/۰۲
عوامل برون‌سازمانی	External	۰/۰۳	۰/۶۵	۰/۵۱
مقدار ثابت	constant	-۲۰/۵۸	-۶/۵۶	۰/۰۰
$R^2 = ۰/۷۱$ $F = ۵۰/۶$ $D.W = ۲/۱$				

مأخذ: یافته‌های تحقیق

از نظر سهم تأثیرگذاری متغیرها بر روی میزان موفقیت بنگاه‌های زیربخش دام نیز بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد (Beta) مشخص گردید که متغیرهای تعداد نیروی کار بنگاه، تعداد اعضای خانوار و تجربه کشاورزی مدیر به ترتیب بیشترین سهم را در پیش‌بینی میزان موفقیت بنگاه‌ها در این زیربخش را دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به نتایج برآورد مدل رگرسیونی گام به گام عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط زراعی و باغی، ضریب مثبت برای متغیر تجربه کشاورزی مدیر نشان‌دهنده

تعیین میزان موفقیت.....

این مطلب است که با افزایش تجربه مدیر، میزان موفقیت بنگاه وی نیز بیشتر می‌شود. رابطه معنی‌دار و مثبت بین تعداد اعضای خانوار مدیر و موفقیت بنگاه‌ها نیز نشان از این دارد که با افزایش اعضای خانوار و استفاده از آن‌ها به عنوان نیروی کار مجانی بر میزان موفقیت آن‌ها نیز افزوده می‌شود همان‌گونه که رابطه مثبت و معنی‌دار بین تعداد نیروی کار شاغل در بنگاه‌ها و موفقیت آن‌ها نیز به اثبات رسید. این یافته‌ها با نتایج حاصل از مطالعات انجام شده توسط یداللهی و همکاران (۱۳۸۸) و برون و همکاران (۲۰۰۵) همسو می‌باشد.

بین میزان وام دریافتی جهت احداث و یا گسترش بنگاه زودبازده با میزان موفقیت آن رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده گردید که نشان از افزایش احتمال موفقیت بنگاه همراه با افزایش دسترسی به منابع مالی دارد. تحقیقات مولایی (۱۳۸۳)، مهرعلی‌زاده و سجادی (۱۳۸۸) و گومد (۲۰۰۰) نیز بیانگر این مطلب می‌باشد. رابطه مثبت و معنی‌دار بین میزان تحصیلات مدیران با موفقیت بنگاه‌های زیربخش زراعی و باغی نیز نشان از افزایش میزان موفقیت این کسب و کارها با افزایش سواد مدیران آن دارد. همان‌گونه که تحقیقات امین‌آقایی (۱۳۸۸)، امینی و همکاران (۱۳۸۷) و مهرعلی‌زاده و سجادی (۱۳۸۸) نیز تأکیدکننده این مطلب می‌باشند. در نهایت، نتایج این تحقیق نشان داد که رابطه معنی‌دار و منفی بین فاصله محل ایجاد کسب و کار و مقدار سطح زیرکشت با موفقیت آن‌ها وجود داشت و هرچه فاصله بنگاه از شهر بیشتر و دسترسی آن به منابع سوخت و تجهیز و تعمیرات افزایش یابد میزان موفقیت نیز کمتر می‌شود. تحقیقات مولایی (۱۳۸۳) و یداللهی و همکاران (۱۳۸۸) نیز رابطه منفی بین محل احداث کسب و کار تا بازار محصول با موفقیت کسب و کارها را تأیید می‌نمایند. در خصوص مقدار سطح زیرکشت و رابطه مثبت آن با موفقیت بنگاه‌های زودبازده کشاورزی نیز می‌توان گفت که هر چه میزان سطح زیرکشت بیشتر باشد تولید افزایش می‌یابد؛ یعنی همان بهبود در شاخص‌های تولیدی که بنگاه‌ها برای موفقیت به دنبال رسیدن به این هدف بودند.

بر اساس نتایج این تحقیق، پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- میزان وام دریافتی از طرف متقاضی جهت احداث بنگاه زودبازده در برخی از زیربخش‌های مورد مطالعه اثر مثبت و معنی‌داری بر میزان موفقیت بنگاه داشت، یعنی هر چه میزان وام دریافتی بیشتر باشد، بنگاه می‌تواند عملکرد بهتر و موفق‌تری داشته باشد. دلیل این امر را می‌توان در افزایش دامنه اختیارات مدیر بنگاه در انتخاب ادوات و نهاده‌های با کیفیت و مرغوب دانست. لذا با عنایت به این موضوع پیشنهاد می‌گردد که دولت طرح‌هایی را که نیاز به وام بیشتر دارد و در عین حال منجر به تولید و درآمد بیشتر می‌شود در اولویت قرار دهد و از اعطای وام به طرح‌های خیلی کوچک و کم بازده خودداری نماید. همچنین پیشنهاد می‌گردد که با انجام کار کارشناسی، با توجه به نیاز هر یک از بنگاه‌ها در زیربخش‌های متفاوت، یک تناسب بین وام پرداختی و نوع فعالیت بنگاه ایجاد گردد.

- پایین بودن سطح سواد، تخصص و مهارت افراد، در واقع آنان را در مقابل فعالیتی قرار می‌دهد که در خصوص مناسبات درونی و بیرونی آن اطلاع ندارند و بدین ترتیب از همان ابتدا ساختار این بنگاه‌ها با کم توانی‌ها، کاستی‌ها و مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد. از این رو، پیشنهاد می‌گردد در واگذاری وام جهت تأسیس بنگاه‌هایی با چنین ویژگی‌هایی دقت لازم صورت گیرد و فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی در اولویت قرار گیرند.

- تهیه و تدوین یک نظام آموزشی و ترویجی خاص متناسب با اهداف و ویژگی‌های این بنگاه‌ها قابل پیشنهاد است، چرا که در قالب یک نظام آموزشی منظم و منسجم می‌توان تخصص و مهارت مدیر و نیروی کار و به تبع آن میزان موفقیت بنگاه‌ها را در زمینه‌های مورد انتظار افزایش داد. این قضیه با توجه به ویژگی‌های آموزشی و مهارتی نیروی کار و مدیران بنگاه‌ها در منطقه مورد مطالعه امری بدیهی و مستلزم توجه ویژه است.

- مدیران بنگاه‌های اقتصادی عموماً میانسال هستند به طوری که میانگین سن همه آن‌ها در کلیه زیربخش‌های مورد مطالعه بالای ۴۰ سال بود. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، متغیر سن در زیربخش زراعت و باغبانی یک عامل مهم و تأثیرگذار بر موفقیت بنگاه بود و با میزان موفقیت یک رابطه مثبت و معنی‌داری داشت که خود نشان‌دهنده این نکته می‌باشد که به علت

تعیین میزان موفقیت.....

اینکه اغلب مدیران در این زیربخش کشاورز بوده و دارای سوابق کار کشاورزی زیاد نیز بودند می‌تواند این تجربه در زمان و چگونگی کشت مناسب محصولات زراعی و باغی متناسب با شرایط اقلیمی منطقه مؤثر واقع گردد. با توجه به معنی‌داری سن و تجربه کار کشاورزی مدیر و اثر مثبت آن بر میزان موفقیت در زیربخش زراعت و باغبانی بهتر است در واگذاری برخی طرح‌ها به ویژه طرح‌های زراعی و باغی به تجربه عملی کشاورز توجه ویژه شود.

منابع

- امین بیدختی، ع. ا. ۱۳۸۸. نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در خلق فرصت‌های کارآفرینی. نشریه کاوشهای مدیریت بازرگانی، ۱(۲): ۱۷۱-۱۹۰.
- امین آقایی، م. ۱۳۸۸. بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱(۴): ۱۲۵-۱۴۶.
- حجی، ر. و پاسبانی، م. ۱۳۸۸. مطالعه روش توسعه خوشه صنعتی با رویکرد UNIDO در SME (مطالعه موردی تولیدکنندگان قطعات خودرو استان آذربایجان شرقی). مجله مدیریت صنعتی، ۴(۸): ۳۱-۵۳.
- خوشنودی‌فر، ز.، سوختانلو، م. و ملک محمدی، ا. ۱۳۸۹. تأثیر عملکرد بانک کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی در میزان موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین در بخش کشاورزی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۸(۷۲): ۱۳۹-۱۶۰.
- رحمانی، ز.، ربیعی، ع. و اتابکی، م. ۱۳۸۹. بررسی اثر طرح بنگاه‌های زودبازده بر روی اشتغال و کارآفرینی در استان تهران. ماهنامه کار و جامعه، ۱۲۳ و ۱۲۴: ۲۷-۳۵.
- شعبان‌زاده، م. ۱۳۹۰. بررسی اثربخشی اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در بخش کشاورزی: مطالعه موردی شهرستان بابل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و سوم، شماره ۹۱

فیض پور، م.ع. و پوش دوز باشی، ه. ۱۳۸۷. بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع و سهم آن‌ها در ایجاد اشتغال (مطالعه صنایع تولیدی ایران در برنامه دوم توسعه). *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۲(۳۷): ۱۱۹-۱۴۵.

کلانتری، خ. ۱۳۸۰. برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوریا و تکنیکها). تهران: انتشارات خوشبین. مستوفی، م. ر. و عباسی، ا. ۱۳۹۰. بررسی میزان تحقق اهداف مورد نظر (اهداف تولیدی، اشتغال‌زایی، سودآوری) در طرح بنگاه‌های زودبازده استان قم. *مجله مطالعات مالی*، ۷: ۱۶۱-۱۸۵. ملاشاهی، غ.ع. ۱۳۹۰. نقش کارآفرینی در توسعه جوامع روستایی. مجموعه مقالات همایش ملی جهاد اقتصادی و تولید ثروت. دانشگاه گیلان، بهمن ماه: ۲۷۶-۲۷۱.

ناصری فر، و.، سعادت، م. و عباسی، ز. ۱۳۸۹. شناسایی توانمندی‌های منطقه‌ای بنگاه‌های کوچک و متوسط. *ماهنامه بررسی‌های بازرگانی*، ۴۲: ۶۶-۷۲.

وزارت جهاد کشاورزی. ۱۳۹۰. گزارش عملکرد سازمان جهاد کشاورزی استان‌ها از محل تسهیلات بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴. معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، واحد تجارت و کارآفرینی.

وزارت کار و امور اجتماعی. ۱۳۸۴. آئین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های زودبازده. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

بداللهی، ج.، آقاجانی، ح.ع. و آقاجانی، ا.ع. ۱۳۸۸. شناسایی عوامل داخلی مؤثر بر عملکرد شرکتهای کوچک و متوسط و ارائه مدلی اثربخش. *فصلنامه مدیریت*، ۶(۱۴): ۱۲-۲۸.

Bah, E.H., Brada, J.C. and Yigit, T. 2011. With a little help from our friends: The effect of USAID assistance on SME growth in a transition economy. *Journal of Comparative Economics*, 39: 205-220.

Gomede, V. 2000. Growth and exporting of small and medium enterprise in South Africa, some thoughts on policy and scope for further research, trade and industrial policy secretariat. Annual Forum at Glenbumb, Muldersdrift, 18 – 20.

تعیین میزان موفقیت.....

- Karpak, B. and Topcu, I. 2010. Small medium manufacturing enterprises in Turkey: An analytic network process framework for prioritizing factors affecting success. *Int. J. Production Economics*, 125: 60-70.
- Man, T.W.Y., Lau, T. and Chan, K.F. 2002. The competitiveness of small and medium enterprises a conceptualization with focus on entrepreneurial competencies. *Journal of Business Venturing*, 17 (2): 123- 142.
- Moon, T.H. and Sohn, S.Y. 2005. Intelligent approach for effective management of governmental funds for small and medium enterprises. *Expert systems with Applications*, 29: 566-572.
- Radam, A., Abu, M. and Abdollah, A.M. 2008. Technical efficiency of small and medium enterprise in Malaysia: A stochastic frontier production model. *International Journal of Economics and Management*, 2(2): 395 – 408.
- Rogoff, E.G., Lee, M. and Suh, D. 2004. Who done it? attributions by entrepreneurs and experts of the factors that cause and impede small business success. *Journal of Small Business Management*, 42 (4): 364-376.